نگاه

سیاست‌های نفتی ۵ سال آخر حکومت پهلوی (۷)

مجید تفرشی

● نوشته حاضر مروری است بر گزارش‌ها و اسناد تازه آزادشده رسمی در آرشیوهای بریتانیایی در بستر تحولات نفتی ایران در سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۸، از زمان افزایش ناگهانی بهای جهانی نفت خام تا آستانه انقلاب اسلامی در ایران. در دو گزارش تکمیلی پس از گزارش سالانه پارسونز که توسط ماموران سفارت در تهران و همچنین اداره خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا تهیه شده، تاکید شده است که به دلیل آنکه گزارش پارسونز حدود دو هفته قبل از پایان سال میلادی مذکور تهیه و ارسال شده، شامل کاهش ناگهانی درآمدهای ایران به دلیل تنزل بهای نفت در روزهای پایانی سال ۱۹۷۵ نبوده و احتمالا باید خوش‌بینی آقای سفیر نسبت به دورنمای اقتصادی ایران را با احتیاط ارزیابی کرد. یکی دیگر از نکات مشترک مطرح شده در مکاتبات پیرو این گزارش توسط کارشناسان بخش خاورمیانه وزارت خارجه بریتانیا، ابراز بدبینی نسبت به موفقیت حزب رستاخیز در جلب نظر افکار عمومی برای مشارکت سیاسی در ایران بود. «ای‌هیث» یکی از این کارشناسان در گزارش هفتم ژانویه ۱۹۷۶ (۱۷ دی ۱۳۵۴) خود چنین نوشت: «پس از ۹ماه فعالیت پراحساس رسمی و تبلیغات گسترده، حزب رستاخیز حقیقتا به موفقیت آشکاری در جلب نظر حتی مردم عادی نیز دست نیافته است.» در بخش‌های بعدی این مجموعه مجددا به حزب رستاخیز پرداخته خواهد شد. پارسونز روز ششم دسامبر ۱۹۷۵ (۱۵ آذر ۱۳۵۴) گزارش مبسوط محرمانه‌ای را با عنوان «ایران: صحنه سیاسی» به لندن ارسال و طی آن وضعیت حکومت پهلوی و سیاست‌های شاه را تشریح کرد. این گزارش به مناسبت برگزاری نخستین کنگره حزب رستاخیز و همچنین انتشار رئوس ششمین برنامه پنج‌ساله توسعه ایران مربوط به سال‌های ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۳ تهیه شده بود. برنامه‌ای که به دلیل ناتمام ماندن برنامه قبلی توسعه هرگز آغاز نشد. در بخشی از این گزارش در مورد عملکرد شاه و انگیزه‌های وی آمده است: «شاه یک مدرن‌گرای عجول است. او در شتاب است، چرا که احتمالا به درستی اعتقاد دارد که وضع کنونی برای انتقال ایران به یک کشور صنعتی مدرن، فرصتی یگانه است...

ادامه دارد

گزارش میدانی «شرق» از ۲ منطقه متفاوت تهران

شرق: هنگام انتخابات که می‌شود؛ صحبت ائتلاف‌ها و این و آن بستن‌ها و این و آن گفتن‌های مردان سیاست پررنگ‌تر از روزهای دیگر است، اما آنچه کمتر در گفتارها و سخن‌ها دیده می‌شود توجه به آنچه مردم عادی می‌خواهند، است و آنچه که این روزها مردم به‌طور واقع با آن درگیر و پنجه‌درپنجه هستند.

دو گزارش حاضر، چرخی در دو منطقه تهران است؛ یکی خیابان بهارشمالی واقع در منطقه مرکزی تهران و دیگری خیابان حرم شهرری. در هر دو، مردم دغدغه‌هایی مشابه دارند و از گرانی‌های هر روزه گله دارند. سخن به مقایسه که کشیده می‌شود نیز جالب می‌شود.

«بهار» اینجا غریبه است

بسیم لاله: مشاور املاک بهار که در قسمت شمالی قرار دارد می‌گوید در چند ماه گذشته قیمت‌ها به‌طور خیره‌کننده‌ای جهش داشته است به طوری که این جهش قیمت ملک و اجاره با درآمد مردم محله همخوانی نداشته است و با وجود نزدیک شدن به ایام جابه‌جایی اکثر اهالی محل برای پیدا کردن خانه جدید از این محل می‌روند و افراد جدیدی در حال جایگزین‌شدن آنها هستند و کم‌کم قشر جمعیتی این محل رو به افراد قوی از لحاظ مالی می‌رود. در حال حاضر در آپارتمان نوساز از متری پنج‌میلیون و ۷۰۰هزار تومان تا شش‌میلیون و ۳۰۰هزار تومان متغیر است و اجاره نیز متری یک‌میلیون تومان به بالاست. به‌طور مثال در کوچه علمداری یک آپارتمان ۱۲ساله ۶۵متری ۸۵میلیون تومان اجاره بهای آن است در صورتی که این آپارتمان در سال گذشته ۶۵میلیون تومان رهن داده می‌شده است.

این افسارگسیختگی قیمت در آن حد است که خدابخش از فعالان املاک در همان محدوده مهم‌ترین فعالیت اقتصادی دولت بعدی را خراب کردن بنای اقتصادی این چند سال اخیر و دوباره بنیان کردن آن طبق اصول اقتصادی می‌داند. وی وضعیت ملک چه از لحاظ اجاره و چه از لحاظ فروش را در دولت‌های هاشمی و خاتمی بهتر دانست به‌طوری که در سابقه چندین‌ساله فعالیت در این محل چنین رکودی را شاهد نبوده است. یکی دیگر از اصناف شاغل در خیابان بهار یک فروشگاه بهداشتی است که از دوران خاتمی به‌عنوان دوران طلایی اقتصاد یاد می‌کند و افسوس آن روزها را می‌خورد و زیرلب می‌گوید: «امیدوارم حلالمان کند.» وی با اشاره به گرانی در دوران رفسنجانی اما باز آن دوران را به علت گردش مالی و وفور همه نوع جنس راضی‌کننده‌تر از حال حاضر می‌داند.

امین مهم‌ترین اقدام دولت بعدی را برداشتن تحریم‌ها می‌داند و علت این آشفتگی اقتصادی را تحریم‌های اعمال‌شده ارزیابی می‌کند. وی مقدار یارانه پرداختی به مردم را نسبت به تورم بسیار کم و پرداخت یارانه را بهانه‌ای برای چندبرابر شدن قیمت‌ها می‌داند. اما شاید صنف نانوایی را باید بهترین نماینده مردم یک محل در بین صنوف دیگر دانست چون به صورت روزانه با تمام مردم محل اعم از هر وضعیت مالی و اجتماعی و با دیدگاه‌های مختلف سروکار دارد. نانوایی سنگکی بهار فروش خود را ثابت می‌داند ولی قدرت خرید خود را پایین‌تر و علت آن را بالا رفتن هزینه‌ها نسبت به درآمد می‌داند. شاطر این نانوایی مهم‌ترین اقدام دولت بعدی را ایجاد رفاه اقتصادی و بازسازی دوباره زیربناهای اقتصادی کشور می‌داند. وی سیستم پرداخت یارانه را به‌طور کل اشتباه ارزیابی می‌کند و حذف این سیستم و برگشت قیمت‌ها به قبل را بهترین راه خروج از این وضعیت می‌داند. وی در خاتمه با گفتن این جمله که «می‌دانی برای چی رییس‌جمهور نمی‌شوم؟ به‌خاطر اینکه منی که توانایی اداره یه نانوایی رو ندارم، چطوری ۷۵میلیون نفر رو اداره کنم» باعث خنده مردم داخل صف نان می‌شود.

میوه‌فروشی خیابان بهار که توسط دو جوان تحصیلکرده اداره می‌شود، مهم‌ترین اقدام دولت بعدی را دوستی و تفاهم با دنیا می‌داند. وی شعار افزایش یارانه‌ها را بی‌اساس می‌داند و علت آن را نبود منابع برای تهیه یارانه بیشتر برمی‌شمرد و می‌افزاید در صورتی که کسی بخواهد این منابع را تهیه کند، مجبور می‌شود که قیمت اجناس را چندبرابر کند. سوپرگوشت صداقت که چندین سال است در این محله فعالیت می‌کند از اخراج دو کارگر در چندماه اخیر می‌گوید. وی علت این امر را کم شدن قدرت خرید مردم می‌داند و ادامه روند فعلی را بد می‌داند. او معتقد است کل اصناف بازار دچار ورشکستگی خواهند شد. صداقت با اشاره به کاغذی که هنوز روی دیوار در معرض دید عموم قرار دارد، می‌گوید تاریخ این برگه سال ۸۹ است و فهرست قیمت اعلامی توسط اتحادیه است. به طور مثال گوشت لاشه گوسفندی بدون دمبه ۱۵هزار و ۸۰۰تومان اما الان این قیمت ۲۵هزار تومان است یا گوشت گوساله ۱۱هزار و ۵۰۰تومان در صورتی که الان برای خرید یک کیلو باید ۳۲هزار تومان پرداخت کرد. وی در ادامه، شعار افزایش یارانه‌ها را در کلانشهرها بی‌اساس دانست ولی مطرح‌شدن این شعار را برای شهرستانی‌ها وسوسه‌آمیز خواند.

بازار حرم تشنه مشتری است

بهناز جلالی‌پور: ابتدای خیابان منتهی به حرم، مغازه ساعت‌فروشی، سوت و کور و خلوت است. حسن تلفنی در حال قیمت‌دادن و گرفتن است. مقصر خلوتی مغازه‌اش را قیمت‌هایی می‌داند که امسال بیش از همیشه بالا رفته است. برای اینکه تفاوت قیمت‌های سال گذشته و امسال را ملموس بیان کند، می‌گوید: «ساعتی که عید سال گذشته ۱۰۵هزار تومان فروختم، امسال همان را ۲۸۰هزار تومان خریدم و جایگزین کردم.» در اولین ماه‌هایی که یارانه‌ها پرداخت می‌شد به خصوص زمانی که هنوز قیمت‌ها افزایش پیدا نکرده بود، بازارش رونقی داشت. پولی که یکباره به خانوارها پرداخت می‌شد، این فرصت را فراهم می‌کرد تا برای خرید ساعت مراجعه کنند. اما اکنون به قول حسن «دو کیلو گوشت ۹۰هزار تومان» دیگر پولی برای خرید ساعت نمی‌گذارد. این مغازه را پنج سال پیش اجاره کرده و هر سال نیز قراردادش را تمدید می‌کند. سال ۸۹ قرارداد اجاره‌اش را دومیلیون و ۲۰۰هزار تومان تمدید کرد و سال ۹۰ اجاره‌اش شد سه‌میلیون تومان، در فروردین ۹۱ با یک‌میلیون تومان افزایش، ماهی چهارمیلیون تومان قرارداد بست، اما سال‌جاری صاحب مغازه پیشنهاد ۱۱میلیون تومانی برای تمدید قرارداد داده است که در نهایت با هفت‌میلیون به توافق رسیده‌اند. حسن می‌گوید: «امسال بدترین سال است و مثل هیچ‌دوره و سالی نیست. تا سال قبل اگر مثلا روزی پنج مشتری داشتم و ۵۰۰هزار تومان درآمد، امسال همان ۵۰۰هزار تومان را از یک مشتری کسب می‌کنم و افت مشتری داشته‌ام.»

مشتری‌ها هر سال نصف می‌شوند

آقا ابراهیم، در ابتدای پاساژ طلافروشان یک مغازه کوچک دارد. تا اسفندماه، اجاره این مغازه ماهی سه‌میلیون تومان بوده و حالا برای تمدید قرارداد، شده پنج‌میلیون تومان. افزایش قیمت‌ها اگر برای همه ضرر باشد، برای طلافروش جماعت باید سود خالص باشد، چراکه ارزش سرمایه‌هایشان علاوه بر آنکه حفظ می‌شود، افزایش نیز پیدا می‌کند. اما او این افزایش قیمت‌ها برایش چندان جذاب نبوده، چراکه با افت دادوستد، سود مورد نظرش را کسب نکرده است. در عین حال با گران‌شدن طلا مشتری چندانی ندارد و می‌گوید: «پنج سال است که هر سال نسبت به سال پیش از آن، تعداد مشتری‌ها نصف می‌شود.»

کهنه‌فروشی داریم

مرد، فارسی را با لهجه عربی غلیظی حرف می‌زند. از وقتی باید مالیات بر ارزش افزوده را اعمال کنند و در مجموع ۱۳درصد از مشتریان دریافت کنند، مشتری‌هایش متمایل به خرید طلاهای کهنه شده‌اند. تنها عروس و دامادها برای خرید طلا می‌آیند. او، می‌گوید: «قیمت طلا که به گرمی ۶۰ و ۷۰هزار تومان رسید، بیشتر مردم شروع به فروختن طلاهایشان کردند چون چنین قیمت‌هایی را به خواب هم نمی‌دیدند و باور نمی‌کردند. وقتی طلا به گرمی ۹۰هزار تومان رسید و بالاتر از آن هم رفت، توان خرید و جایگزینی برای مردم نمانده بود. اکنون اصلی‌ترین اولویت‌های مردم غذا و لباس است.» امسال به دلیل افزایش قیمت‌ها برای بسیاری سخت بوده، اما او می‌گوید: «در این ۳۰سال مثل امسال را ندیده‌ام. حتی زمان جنگ هم این‌طور نبود. کارمندی که آن موقع سه‌هزار تومان حقوق می‌گرفت، ماهی هزار و ۲۰۰تومان خرج ماهانه و زندگی‌اش بود و باقی را سکه و طلا می‌خرید. بعد از جنگ با فروش همان طلاها، خانه خرید. حالا با ماهی سه‌میلیون تومان هم نمی‌تواند دخل و خرج را به هم برساند.» به گفته او، آن موقع و دوره اقتصاد ثابت، اجازه زندگی به مردم می‌داد، اما اکنون گوشت هر ماه‌گران می‌شود و ریال بی‌ارزش شده. «دوره هاشمی، ایران ارج و قربی داشت. در دوره خاتمی، هم ارزونی بود، هم مردم پول داشتند و درآمدها خوب بود که در نتیجه فروش زیاد و پول ایران هم قوی و قدرتمند بود.»

گرانی همیشه هست

کباب‌های اینجا خیلی معروف و بوی آن بازار را برداشته است. زن و شوهری با بچه می‌آیند و یک پرس کباب بدون برنج سفارش می‌دهند، بدون نوشابه می‌شود پنج‌هزار و ۲۰۰تومان. همین پرس قبل از عید چهارهزار و ۲۰۰تومان بوده است. آقا مصطفی، که یک دقیقه هم بی‌مشتری نیست، همه‌جوره راضی است از قیمت‌ها. سال قبل هر نوشابه را ۴۰۰تومان می‌خریده و با سود، ۵۰۰تومان می‌فروخته و امسال همان را که ۵۰۰تومان از کارخانه می‌خرد، ۶۰۰تومان می‌فروشد. گوشت کبابی را هم ۱۴ تا ۱۵هزار تومان می‌خریده که امسال با ۲۰ تا ۲۵درصد افزایش، ۱۹هزار تومان می‌خرد.

خبر

اختصاص ۱۰میلیارد دلار منابع ارزی بانک مرکزی به طرح‌های نفت و گاز

● **تسنیم:** با مصوبه نمایندگان مجلس بانک مرکزی مجاز شد ۱۰میلیارد دلار از منابع ارزی خود در خارج از کشور را به طرح‌های بالادستی نفت و گاز در حوزه‌های مشترک و خطوط انتقال گاز اختصاص دهد. براساس بند ۳-۱۱ ماده واحده لایحه بودجه بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است تا مبلغ ۱۰میلیارد دلار از محل منابع اصلی خود در خارج از کشور را منوط به تعهد و بازپرداخت و سود این تسهیلات از محل منابع داخلی شرکت‌های تابع وزارت نفت جهت تامین منابع طرح‌های وزارت نفت از جمله طرح‌های بالادستی نفت و گاز در حوزه‌های مشترک و خطوط لوله اصلی انتقال گاز و فرآورده‌های نفتی و خطوط انتقال نفت خام و میعانات گازی به شرکت‌های مذکور به صورت خط اعتباری اختصاص دهد. همچنین به استناد بند ۳-۱۴ به وزارت اقتصاد و امور دارایی اجازه داده می‌شود با اطلاع و تایید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در موارد لزوم مجوز افتتاح حساب در بانک‌های دولتی و غیردولتی مورد تایید خود در داخل و خارج کشور را برای شرکت‌های متقاضی تابعه وزارت نفت صادر کند.

شاخص بورس دوباره مثبت شد

● **فارس:** شاخص کل بورس تهران امروز پس از یک هفته افزایش یافت و با رشد ۲۵۱ واحدی به ۴۳هزار و ۴۷ واحد رسید. پس از یک هفته روند منفی شاخص بورس تهران، پس از تصویب عدم پرداخت سهم ۲۶درصدی صندوق توسعه ملی توسط پالایشگاه‌های خصوصی، شاخص کل در پایان معاملات امروز با ۲۵۱ واحد رشد ۴۳هزار و ۴۷ واحد شد و ارزش بازار به ۲۰۹هزار و ۹۰۶میلیارد تومان رسید. همچنین تعداد معاملات ۲۷هزار و ۲۴۸ دفعه، ارزش معاملات ۹۳میلیارد و ۶۹میلیارد تومان و حجم معاملات ۲۳۳میلیون و ۷۲۴هزار سهم بود. بیشترین افزایش قیمت را شرکت‌های شیر پاستوریزه پگاه اصفهان (۴۱/۸)، گلوکوزان (۳۷/۵۶)، پست بانک ایران (۴/۷۷)، صنایع جوشکاب یزد (۴)، نفت بهران (۴)، کربن ایران (۴) و بیمه ایران (۴) را به دست آوردند. همان‌طور که انتظار می‌رفت به محض تجدید نظر در مصوبه مجلس، دوباره شاخص کل و سایر شاخص‌های بورس روند افزایشی به خود گرفت. به طوری که سهام شرکت پالایش نفت تهران پنج‌درصد، پالایش نفت شیراز پنج‌درصد و نفت پاسارگاد ۳/۹۷درصد رشد داشته است.